

< هو الحکیم >

عنوان:

بررسی امکان عقلی تناسخ



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI



بینید واقعاً صرف نظر از يك سری ضوابط و قواعد منطقی و فلسفی که محل قلت و إنقلت هست، چون بعضی فیلسوفان يك مبانی برای خودشون دارن، با اون مبانی می بینن ناسازگار میاد رد می کنن تناسخ رو؛ بعضی از اونها اون قواعد رو قبول ندارن. پس اینها يك جور نیست؛ اون ضوابط و قوانین، يك جور و يك شکل نیست. حالا ما می خوایم با يك نگاه عام با این عقل متعارف در نظر بگیریم بینیم آقا تناسخ گیرش چیه؟! بینید فرض کنید اصلاً برزخی نباشه، قیامتی نباشه؛ خداوند عادل هست یا نیست؟! عادل هست؛ خدا هست خدا هم عادل هست! خدا بناست که در همین دنیا خیر رو به ما اعطاء بکنه. مثلاً در این دوره امام حسین داریم شمر هم داریم، بناست در همین دوره شمر عذاب بشه در همین دنیا، امام حسین هم در همین دنیا خیر و برکت بهش داده بشه. آیا دست خدا بسته هست که در این دنیا بخواد يك نفر رو اذیت بکنه، یعنی عذاب بکنه به تعبیری و به يك نفر خیرات بده؟! خیر مثلاً شمر؛ شمر رو بیاد این بدنش رو يك بدن الاغی قرار بده که گیر يك آدم دژخیمی بیفته، ده سال از این بار بکشه و شلاق بزنه! این دوره اول. دوره دوم، عمر الاغ تموم شد، دوباره در يك بدن يك حیوان دیگه ای قرار داده بشه دوباره این سختی ببینه!



دوره‌ی سوم تموم شد، دوره‌ی چهارم؛ این همین‌طور ادامه پیدا بکنه با فرض این‌که دنیا هم همیشگی باشه، اساساً این خالدين فيها باشه! خلود در عذاب دنيایي داشته باشه. امام حسين چي؟ می‌تواند این بدنش رو بدن حجت‌بن‌الحسن قرار بده! می‌تواند بدنش رو بدن امام باقر قرار بده! بدن امام صادق قرار بده! این روح در مراتب مختلف سير بکنه و همیشه در خوبی و در خیرات و در کمالات باشه؛ و اساساً برزخی نداشته باشیم، و قیامتی هم نداشته باشیم! اصلاً اثبات معاد عقلاً چه جوریه؟ به‌خاطر چیه؟ به‌خاطر عدل الهی هست دیگه! چرا شما می‌گی معادی هست؟ می‌گی آقا این دنیا گنجایش خوبی، نعمت دادن و نعمت دادن و عذاب و توبیخ را ندارد! چرا؟ می‌گیم مثلاً فرض کنید که يك هیتلر میاد يك میلیون نفر رو می‌کشه، این هیتلر رو چند بار می‌شه مجازاتش کرد؟ يك بار دیگه! يك بار می‌گشی! بقیه چه‌طوری جبران می‌شه؟ یا يك نفری میاد ایثار می‌کنه برای خدا یا برای خدمت به مردم جاننش رو از دست می‌ده، وقتی جاننش رو از دست داد، کجا باید ثواب این پاداش بهش داده بشه اگه جهان دیگه‌ای نباشه؟!!



خب از این جا میای اثبات می کنی که باید در جهان دیگه ای باشه  
که با عدالت خداوند درست در بیاد! این دنیا چون ظرفیت عقاب  
رو نداره و ظرفیت پاداش رو نداره، در جهان پس از مرگ، عقاب  
می شن پاداش داده می شن. حالا ما می گیم که ما عدالت خدا رو  
قبول می کنیم خدا رو هم قبول داریم، این عقاب و این تنعم رو در  
ارتباط با این دنیا قرار بده! ممکنه بگه آقا این دنیا کشش نداره!  
یک هیتلر فرض کن که یک میلیون نفر رو کشته، می گیم درسته!  
ما نگفتیم نابود بشه! این قدر در بدنها این بچرخه، بچرخه، بچرخه،  
بچرخه که این جنایتهاش بتونه نسبت به اون کاری که انجام داده  
در مقابلش بتونه عذاب ببینه! ممکنه یک نفر بگه آقا این قدر این  
جنایتش بزرگ هست مثل شمر، اساساً هر چی هم عذاب بدی این  
تموم نمی شه! می گه گیری نداره تا ابد در این دنیا عذاب ببینه! ولی  
منتها در همین دنیا عذاب ببینه! جای دیگه ای نباشه! اگه یک نفر  
چنین حرفی رو بزنه بگید آقا شما خدا رو پذیرفتید؟ می گه بله!  
عدل الهی هم پذیرفتید؟ بله! خداوند عادل هست؟ بله؟ در همین  
دنیا می تونه پاداش بده؟ بله! می تونه عذاب بکنه؟ بله!



این چه گیر عقلی داره می‌خوام ببینم؟! صرف نظر از وحی! يك وقت وحی میاد می‌گه آقا جان تناسخ نیست، برزخ و قیامت هست، اون بحث دیگه‌ای هست، اون شد دین؛ از لحاظ عقلی می‌خوام بحث بکنم! پس تناسخ از لحاظ عقلی می‌خوام ببینم که با این تقریری که من داشتم گیری توش نمی‌بینید! إلا این که يك سری ضوابط فلسفی رو بپذیری، اون‌ها سر جای خودش؛ یعنی ما قائل به دوآلیسم باشیم روح رو غیر بدن بدونیم، و باعث بشه قدرت خداوند تعلق پیدا می‌کنه که روح انسانی رو در بدن الاغ قرار بده، روح انسانی رو در بدن يك درخت قرار بده، روح انسانی رو در بدن يك سنگی قرار بده، قدرت هم تعلق پیدا بکنه. یعنی اعراضش رو تغییر بده بتونه تعلق پیدا بکنه، این بدن‌ها تغییر پیدا بکنه. خب يك نفر بالا پائین می‌کنه می‌بینه ظاهراً مشکل نداره! حتی پروژه جور دیگه‌ای باشه؛ يك مدت در این دنیا توی بدن‌ها بچرخن، یعنی عذاب رو در سه مرتبه قرار بدیم، نعمت هم در سه مرتبه قرار بدیم.



يك آدم خوبی هست دو سه دوره تو این دنیا کیف بکنه، بعد  
ببرنش برزخ، بعد ببرنش قیامت؛ يك آدم بدی هست دو سه  
دوره در این دنیا بچرخه، زجر بکشه، بعد ببرنش برزخ، بعد  
ببرنش قیامت؛ این از لحاظ عقلی چیه؟ از لحاظ عقلی این هم  
گیری نداره!

یا نه وجه دیگه‌ای رو در نظر بگیریم، اساساً برزخ رو پاک  
کنیم؛ تا قبل از قیامت همه در این دنیا در چرخش هستن در  
خوبی و بدی، وقتی قیامت شد این‌ها یا وارد بهشت می‌شن یا  
جهنم می‌شن. اگه با اصل آنتروپی و این‌که عالم رو به فروپاشی  
و اضمحلال هست و مسأله‌ی قیامت هم بخوایم جمع بکنیم،  
بگیم بله! تو این عالم همین‌طور می‌چرخن، می‌چرخن، می‌چرخن  
این روح‌ها کیف می‌کنن یا عذاب می‌بینن، بعد هم وارد قیامت  
می‌شن!



بینید پروژه‌های مختلفی رو می‌شه در نظر گرفت! و عقل تمام این‌ها را ممکن می‌داند! اما اون چیزی که موضع گرفته شده اسلام در مقابل با اون، و چون ما مسلمانیم و به ادله‌ی عقلی وحی رو پذیرفتیم، اسلام رو پذیرفتیم، اصلاً نمی‌تونیم قبول بکنیم! ما می‌بینیم اسلام موضع داره در مورد تناسخ! خیلی خب! همین بسه! خودمون رو وارد بحث‌های عقلی نمی‌خوایم بکنیم، چون بعداً خیلی از این مسائلی که شما در تناسخ ایراد می‌گیرید، بعداً می‌بینید با اون مبانی جمعی از فیلسوفان اگه بخوایم بریم جلو، برزخش هم مشکل داره! با اون بخوایم بریم رجعتش هم مشکل داره! با اون بخوایم بریم معاد جسمانی‌ش هم مشکل داره! پس باید تمام این‌ها رو به تأویل ببری جور دیگه‌ای مطرح بکنی! پس این يك نکته. دلیل مهمی که ما با تناسخ مقابله می‌کنیم چون اسلام گفته تناسخ نیست! به این معنا نیست!